



واکنش ریسک‌پذیری صنعت بانکداری در نظام اقتصادی به مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه با تأکید بر نقش کارایی سرمایه‌گذاری مبتنی بر نظریه سپر سرمایه

وحید بخردی‌نسب^۱

چکیده

از جمله ارکان و اجزای اصلی یک نظام نظارت بانکی مؤثر، چارچوب مقرراتی آن به شمار می‌رود، به گونه‌ای که انجام مسئولیت‌های نظارتی بدون برخورداری از مقرراتی جامع و مانع امکان‌پذیر نیست. هدف اصلی این تحقیق، ارتباط بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری بانک‌ها با نقش تعدیلگری کارایی سرمایه‌گذاری است. جامعه آماری، کلیه بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بازه زمانی انجام تحقیق سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ است. برای رسیدن به این هدف، از اطلاعات بیست بانک استفاده شد. در این تحقیق نشان داده شده است که با کارایی سرمایه‌گذاری، مقررات احتیاطی، سرمایه بانک‌ها را افزایش و ریسک‌پذیری آنها را کاهش می‌دهد. همچنین مقررات احتیاطی رفتار احتیاطی بانک‌ها را از طریق کاهش ریسک‌پذیری و افزایش سرمایه بانک‌ها، افزایش می‌دهد که نشان می‌دهد اکثر بانک‌های کشور در سال‌های اخیر در راستای چارچوب‌های نظارتی و مقررات بین‌المللی حرکت کرده‌اند

واژه‌های کلیدی: مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه، ریسک‌پذیری، کارایی سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی، بورس اوراق بهادار تهران

طبقه‌بندی JEL: G38، G32، G24 و G21

۱. دکتری، گروه حسابداری، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران؛ vahid.bekhradinasab@gmail.com

مقدمه

صنعت بانکداری در ایران، به دلیل کافی نبودن توسعه بازار سرمایه و ناکارایی‌های موجود در این بازار، عهده‌دار اصلی تأمین مالی بلندمدت و کوتاه‌مدت فعالیت‌های اقتصادی است. بر همین اساس، اعطای تسهیلات، بخش مهمی از عملیات تأمین مالی هر بانک را تشکیل می‌دهد، اما احتمال بازپرداخت نشدن به‌موقع تسهیلات، باعث ریسک اعتباری در بانک‌ها می‌شود و بی‌توجهی در این زمینه می‌تواند به نتایج نامطلوبی در عملکرد بانک‌ها منجر شود. در بازارهای پولی، بانک‌ها به‌عنوان کانالی ارتباطی بین پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران بر مبنای استفاده بهینه و کارا از عامل سرمایه، عمل می‌کنند. در این بازارها، بانک‌ها با ریسک‌های مختلفی مواجه هستند و ریسک اعتباری از ریسک‌های بانکی مهم به شمار می‌آید. اعطای تسهیلات که بخش مهمی از عملیات هر بانک را تشکیل می‌دهد، همیشه با درجه‌ای از ریسک همراه است و بی‌توجهی در این زمینه برای بانک‌ها به نتایج نامطلوبی منجر می‌شود. همچنین، یکی از مشکلات مهم در بازارهای مالی، مسئله اطلاعات نامتقارن است که خود مشکلات عدیده‌ای مانند مخاطره اخلاقی، انتخاب بد و مسئله مالک - کارگزار را به‌دنبال دارد. این مشکلات گاهی بر کارایی اقتصادی اثر گذاشته و در یک اقتصاد، نارسایی‌های مهمی ایجاد می‌کنند. به همین علت، کنترل، نظارت و تولید اطلاعات که راه‌های مقابله با این مشکلات هستند، از اهمیت خاصی برخوردار می‌شوند (احمدی، احمدی جشفقانی و ابوالحسنی هستیانی، ۱۳۹۵). از مسائل ریسک‌پذیری می‌توان به مواردی همچون سرقت داخلی، سرقت خارجی، فرایند سازمان در امور مربوط به استخدام کارکنان و ایمنی محیط کاری، فرایندهای مرتبط با مشتریان، محصولات و کسب‌وکار، مثل تغییرات در مقررات، مطالبات، رضایت مشتری، دعاوی حقوقی و نظایر آن، آسیب به دارایی‌های فیزیکی، مثل مواردی که طی آن دارایی‌های آسیب‌دیده موجب ایجاد وقفه در تجارت شوند، اشاره کرد. آسیب ممکن است به دلیل آتش‌سوزی، سیل یا زمین‌لرزه باشد. تغییرات در محیط تجاری و اشکال‌ها و خطاهای سیستمی، مثل اشکال در سیستم، ویروس اینترنتی، داده‌های نادرست، خطوط ارتباطی ضعیف و نظایر آن، مدیریت اجرا، تحویل و فرایندها در سازمان، است (عرفانیان، ۱۳۸۷).

بحران مالی در جهان نمونه‌ای از بحران‌های سیستمی است که تحلیل ریسک سیستمی را به کانون توجه‌ها تبدیل کرده است. به‌طور کلی، ریسک سیستمی از مزیقه مالی یک بانک بزرگ ناشی می‌شود که به سایر بانک‌ها سرایت کرده و کل نظام بانکی یا حتی ظرفیت تولیدی بخش واقعی اقتصاد را بیش از پیش تضعیف می‌کند. بنابراین، شناسایی و نظارت بر بانک‌های دارای اهمیت

سیستمی ضرورت داشته و یکی از مفاهیم زیربنایی در تحلیل‌ها، ارزیابی سهم نهایی بانک در ریسک سیستمی است، از این رو، بانک‌هایی که سهم بیشتری دارند از اهمیت سیستمی بالاتری نیز برخوردارند. شناسایی و نظارت زود هنگام مقامات نظارتی مالی از ایجاد ریسک‌های کلان اقتصادی جلوگیری می‌کند. در واقع، شرایط بحران‌ها مشخص کرد که یک تعامل و رابطه تکاملی بین عوامل مؤثر نظارتی مربوط به سیاست‌های احتیاطی خرد و کلان تصور می‌شود. از این رو، ناظران و مسئولان مربوطه باید ریسک‌ها را در مجموعه‌ای فراتر از اطلاعات ترازنامه‌ای یک بانک بررسی و ارزیابی کنند، سیستم نظارتی مخصوص به بانک‌ها باید تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به بانک‌ها را هدف قرار دهد و این کار می‌بایست در راستای شناخت و ارزیابی ریسک سیستمی انجام شود (سامانی پور، محمدی، شاکری و تقوی، ۱۳۹۲). بحران مالی از نظر شدت و دامنه خسارت‌هایی که وارد می‌کند، بی‌شک پس از رکود بزرگ، مهم‌ترین و دشوارترین بحرانی است که اقتصاد جهانی از سر گذرانده است. این بحران مالی یک بار دیگر بر رفتار ریسک‌پذیری بانک‌ها در ثبات اقتصادی جهان و رفاه تأثیر دارد. اقتصاددانان مالی و سیاست‌گذاران معتقدند که می‌توان از طریق نظارت مثبت صنف‌ها و نظم و انضباط بازار، ریسک‌پذیری مؤسسه‌های مالی و بانک‌ها را به حد مطلوبی رساند تا از این بحران کنونی کمتر ضرر ببینند، بنابراین با به‌کارگیری استانداردهای کفایت سرمایه و نقدینگی برای محدود کردن ریسک‌پذیری بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی واکنش نشان می‌دهند (بارال^۱، ۲۰۱۴). از جمله ارکان و اجزای اصلی یک نظام نظارت بانکی مؤثر، چارچوب مقرراتی آن است، به گونه‌ای که انجام مسئولیت‌های نظارتی بدون برخورداری از مقرراتی جامع و مانع امکان‌پذیر نیست (دهقان دهنوی، محرم اوغلی و بائی، ۱۳۹۶). متأسفانه تاکنون، سهام‌داران بانک‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها، توانسته‌اند با استفاده از خلأهای مقررات‌گذاری احتیاطی، مقررات بانک مرکزی را دور بزنند و حدودی را که مقررات به‌عنوان اشخاص مرتبط برای آنها تعیین کرده است، نقض کنند و از این طریق، ضمن اجرای روش‌های تبعیض‌آمیز در خصوص مشتریان با بالا بردن ریسک سیستمی، منابع بانک‌ها را به‌سوی شرکت‌های خود کانالیزه کنند. ضعف موجود در راهبری شرکتی بانک‌ها از ضعف‌های دیگر در مقررات‌گذاری احتیاطی بانک‌ها به حساب می‌آید. به‌موجب ماده ۱۰۷ قانون تجارت، شرکت سهامی به‌وسیله هیئت‌مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب می‌شوند، اداره خواهند شد. مجمع عمومی بانک‌ها نیز با استناد به این ماده قانونی اعضای هیئت‌مدیره آنها را از بین سهام‌داران خود، انتخاب می‌کند. این شیوه در کشورهایی مانند کشور ما که در آنها بسترهای قانونی

و مقرراتی مناسب پیش‌بینی نشده، سبب اعمال نفوذ بیش از حد سهام‌داران که به‌طور عمده از پیشینه بانکی کافی برخوردار نیستند، در اداره امور بانک می‌شود. موضوعی که می‌تواند در جهت‌دهی بانک به سوی فعالیت‌های پرریسک و نادیده گرفتن نظرهای کارشناسان آن تأثیر مهمی داشته باشد. مسئله زمانی بغرنج‌تر می‌شود که اعضای هیئت‌مدیره در امور اجرایی به‌عنوان عضو هیئت‌مدیره موظف وارد شوند. در این حالت می‌بایست درهم‌آمیختگی حوزه‌های نظارت و اجرا و سوءمدیریت ناشی از ضعف مقررات‌گذاری احتیاطی را به مشکل پیشین افزود. چنین به نظر می‌رسد که افزایش تعداد اعضای هیئت‌مدیره (به بیش از پنج نفر) به‌ویژه، افزایش تعداد اعضای غیرموظف بتواند تا حدودی به رفع این مشکلات کمک کند. یکی دیگر از موانع اجرای مقررات‌گذاری احتیاطی بانک‌های مؤثر در کشور که آن را می‌توان از ضعف‌های راهبری شرکتی بانک‌ها نیز به حساب آورد، کم‌توجهی بانک‌ها به جایگاه واحدی برای مدیریت ریسک است. از این رو، بانک مرکزی می‌بایست برای اجرای نظارت مقررات‌گذاری احتیاطی بانکی مؤثر، بر اساس آنچه در اصول کمیته نظارت بر بانکداری بازل تأکید شده است، در کنار نظام مؤثر کنترل داخلی، بانک‌ها را ملزم به ایجاد این واحدها کرده و با پررنگ کردن نقش گزارش‌دهی اداره مدیریت ریسک در مقررات، جایگاه آن واحد را در بانک تقویت کند (گایدارا، لای، سومار و تچانا، ۲۰۱۶).

مسئله افزایش کارایی سرمایه‌گذاری، از جمله مسائل بسیار بااهمیت است. کارایی سرمایه‌گذاری مستلزم آن است که از یک سو، از مصرف منابع در فعالیت‌هایی که سرمایه‌گذاری در آنها بیشتر از حد مطلوب انجام شده است، ممانعت شود (جلوگیری از بیش‌سرمایه‌گذاری) و از سوی دیگر، منابع به‌سمت فعالیت‌هایی که بیشتر به سرمایه‌گذاری نیاز دارند (جلوگیری از کم‌سرمایه‌گذاری)، هدایت شوند. گزارش‌های مالی یکی از منابع اطلاعاتی در دسترس بازارهای سرمایه هستند که انتظار می‌رود در توسعه سرمایه‌گذاری و افزایش کارایی آن نقش مؤثری ایفا کنند. کیفیت گزارشگری مالی با کم کردن میزان بیش‌سرمایه‌گذاری و همچنین کم‌سرمایه‌گذاری، موجب ارتقای کارایی سرمایه‌گذاری می‌شود (مدرس و حصارزاده، ۱۳۸۷).

نظام بانکی در کنار بورس اوراق بهادار از ارکان اصلی بازارهای مالی است و برای جذب و هدایت وجوه سپرده‌گذاران وظیفه مهمی بر عهده دارد. بیشتر فعالیت‌های بانک با ریسک مواجه است، اما میان فعالیت‌های بانکی، برای بانک، خدمات اعطای تسهیلات ریسک بیشتری به‌همراه دارد. در کشورهای مختلف برای مقابله با این نوع ریسک، مقررات مختلفی از جمله بیمه سپرده (برای

محافظت از سپرده‌گذار در مقابل ریسک‌های بانک) و محدودیت‌های سرمایه‌ای وضع شده است. اما، با توجه به بحران‌های مختلف بانکی، مانند بحران اعتباری ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ در بانک‌های آمریکا که از اعطای وام‌های بدون پشتوانه نشئت می‌گرفت، مشخص شد که بخش بانکی به مقررات مالی بیشتر و توجه ویژه‌ای در خصوص ریسک‌های پیش روی خود نیاز دارد. اینکه چه عواملی در درجه ریسک‌پذیری یک بانک نقش دارند و چگونه می‌توان رفتار ریسک‌پذیری بانک را با استفاده از ابزارهای سیاستی مختلف تحت‌تأثیر قرار داد، موضوع تحقیقات گوناگونی بوده است (دهقان دهنوی و همکاران، ۱۳۹۶). بانک‌ها برای رشد و توسعه خود به سرمایه‌گذاری نیاز دارند. مطابق فرضیه قراردادهای کارا، مدیران باید از بین طرح‌های مختلف سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری بهینه را انتخاب کنند تا ریسک‌پذیری بانک به حداقل برسد. پس انتظار می‌رود که کارایی سرمایه‌گذاری، مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری بانک‌ها را تعدیل کند.

توجه ویژه به سیاست احتیاطی کلان در اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه کاملاً مشهود است. با اینکه اقتصادهای پیشرفته در دهه ۱۹۹۰ به‌ندرت از سیاست‌های احتیاطی کلان استفاده می‌کردند، بسیاری از این ابزارها را پس از بحران مالی جهانی به‌عنوان بخشی از روندی کلی‌تر به‌سوی وضع مقررات مالی سخت‌گیرانه‌تر به‌کار بستند. همچنین اقتصادهای پیشرفته بزرگ، به‌تازگی برای سیاست‌های احتیاطی کلان چارچوب‌های نظارتی ایجاد کرده‌اند. در شرایط کنونی، بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه آسیایی به‌طور فعال از سیاست‌های احتیاطی کلان به‌منظور جلوگیری از ایجاد حباب‌های بالقوه در بازارهای املاک و سهام استفاده می‌کنند. تحقیق حاضر به‌علت اهمیت بسزایی که ریسک‌پذیری بانک‌ها در نظام اقتصادی دارد، بررسی شده است. این تحقیق به‌دنبال کاهش ریسک در بانک‌ها است، بدین منظور این موضوع امروزه در حوزه افراد سرمایه‌گذار در بانک و همچنین توسط خود بانک، به بحثی جذاب تبدیل شده است. همچنین، بورس نهادی سازمان‌یافته است که از جمله نهادهای عمده و اساسی در بازار سرمایه محسوب می‌شود و تعیین میزان ریسک بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار و کارایی سرمایه، گام مهمی در سرمایه‌گذاری و خرید سهام است. کارایی سرمایه نیز از تصمیم‌های حیاتی تأمین مالی بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی است و به‌منزله محرکی مهم برای عملکرد بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی، به‌ویژه سودآوری، معنا پیدا می‌کند. مهم‌تر از همه اینکه کارایی سرمایه، بخش مهمی از راهبرد کلی بانک‌ها درباره نحوه تأمین مالی محسوب می‌شود و انتظار می‌رود به ایجاد ارزش بانک‌ها کمک کند. با توجه به مطالب بیان‌شده، پرسش اصلی این تحقیق این است که آیا مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه می‌تواند بر

ریسک‌پذیری بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی با توجه به متغیر تعدیلگری کارایی سرمایه‌گذاری ارتباط داشته باشد یا خیر. در ادامه، چارچوب نظری و پیشینه تحقیق بررسی شده است. سپس، روش اجرای تحقیق، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مبانی نظری

ریسک‌پذیری

اعطای وام، فعالیت اصلی اکثر بانک‌ها را تشکیل می‌دهد. وام‌دهی مستلزم آن است که بانک‌ها، راجع به توان بازپرداخت متقاضیان وام اظهار نظر کنند. این پیش‌بینی‌ها همیشه درست نیستند و گاهی ممکن است وضعیت اعتباری یک گیرنده وام به‌مرور زمان و در اثر عوامل مختلف، ضعیف شود. در نتیجه، یکی از ریسک‌های عمده‌ای که بانک‌ها با آن مواجه هستند، ریسک یا ناتوانی طرف مقابل برای اجرای مفاد قرارداد است. چنانچه مقررات و دستورالعمل‌های پول‌شویی در بانک‌ها به‌درستی اجرا نشود، پول‌شویان، از بانک‌ها، وام‌های کلان یا بدون وثیقه‌های محکم اخذ می‌کنند و تسهیلات خود را به بانک پرداخت نمی‌کنند تا وثیقه آنها در تملک بانک درآید که این وثیقه از راه پول‌های کثیف خریداری و کسب شده است. به این ترتیب، پول‌های کثیف خود را شست‌وشو داده ریسک اعتباری بانک را به‌شدت افزایش می‌دهند. همچنین سرمایه بانک‌ها را مدت‌ها را کدنگ می‌دارند. از این رو، با توجه به اینکه ریسک اعتباری از ریسک‌های مهم عملیات بانکداری است، بر منابع و مصارف بانک‌ها تأثیر بسزایی خواهد داشت. ریسک اعتباری را می‌توان در تمام فعالیت‌های اعتباری مشاهده کرد و زمانی به ظهور می‌رسد که وجوه بانک، به‌واسطه توافقات فعلی یا ضمنی قراردادی، بسط و گسترش پیدا کند. ریسک، به خودی خود در قصور بالقوه قرض‌گیرنده در برآوردن شرایط قرارداد اعطای وام، وجود دارد. زمانی که بانکی برای کسانی که در فعالیت‌های مجرمانه از قبیل پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، دخیل هستند، تأمین اعتبار مالی می‌کند، ریسک اعتباری در سراسر آن بانک، به‌طور اساسی بالا می‌رود. افرادی که در پول‌شویی دخیل هستند، ممکن است هیچ‌گاه خیال بازپرداخت وجوه را نداشته باشند. آنها اغلب برای خود از راه جعل هویت یا سایر راه‌های مجرمانه، اعتبار کسب می‌کنند و ضامنان آنها اغلب وجود خارجی ندارند. بیشترین ریسک عملیاتی در خصوص شناسایی مشتری به ضعف در اجرای برنامه‌های بانک‌ها، روش‌های کاری ناکارآمد و شکست اعمال دقت کافی در امور است. برداشت عمومی از یک بانک برای اینکه قادر به اداره ریسک عملیاتی خود به‌نحو مؤثری نیست، می‌تواند در کارها تأثیر منفی ایجاد کند. زیرمجموعه ریسک‌های

عملیاتی نیز در صورت رعایت نکردن قوانین مبارزه با پول‌شویی به شدت افزایش خواهند یافت که از جمله آنها می‌توان به ریسک شهرت، ریسک قانونی، ریسک منابع انسانی و ریسک تمرکز اشاره کرد.

مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه

به‌طور کلی، نظام مقرراتی احتیاطی جهانی در حال حاضر به سه قسمت سنتی، پیوندی و نظام یکپارچه تقسیم می‌شود. در واقع، فعالیت بانک‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و صندوق‌های متقابل به‌صورت سنتی از یکدیگر مجزا هستند و هرگونه فعالیت درون‌بخشی به‌منظور حمایت از صحت و سلامت هر بخش و افزایش نقش آنها در سلامتی نظام مالی، ممنوع است. از این رو، هر خدمتی توسط اعضای خاص و متمایزی نظارت و کنترل می‌شود. در مجموع، در عرصه مقرراتی در کشورها و سازمان‌های مختلف تحولات مهمی به وجود آمده است. در حال حاضر، تقریباً کلیه کشورهای عضو بانک توسعه آسیا از این روش سنتی نظارت، پیروی می‌کنند و بانک مرکزی اعضای نظارتی و مقرراتی احتیاطی آنها را تشکیل می‌دهد. اغلب کشورهای در حال توسعه و به‌تازگی ایالات متحده آمریکا نیز با توجه به نیازهای خود از این رژیم پیروی می‌کنند (آگراوال^۱، ۲۰۰۱).

مقررات احتیاطی و نظارت بر عملیات بانکی به‌منظور حصول اهداف مد نظر در عمل از سه روش کلی انجام می‌شود. نوع اول: نظارت خود بانک بر عملیات داخلی آنها است، نوع دوم: نظارت صاحبان سهام بر عملیات بانک و نوع سوم: نظارت بانک مرکزی بر عملیات بانک‌ها است. نظارت نوع اول، در عمل، به عملیات حسابرسی محدود می‌شود. صاحبان سهام برای اطمینان از عملکرد بانک در راستای حفظ منافع و حقوق خود به رسیدگی معمول حسابرسی در دوره‌های معین مبادرت می‌ورزند. با این نوع رسیدگی که در واقع می‌تواند نظارت صاحبان سهام تلقی شود، صاحبان سهام بانک را به رعایت استانداردهای عمومی حسابرسی و همچنین ضوابط و مقررات پولی مقید می‌کنند. مسلم است که رعایت این استانداردها و ضوابط، به سلامت و امنیت بانک کمک مؤثری می‌کند. به‌علاوه، گزارش‌های به‌موقع حساب‌برسان می‌تواند صاحبان سهام را از نحوه عملکرد مدیریت بانک مطلع کرده و مدیریت بانک در راستای بهبود عملکرد و افزایش بهره‌وری و کارایی، تصمیم‌های لازم اتخاذ کند. نظارت اتخاذ دوم به ظاهر طبیعی مشابه با نظارت نوع اول دارد. زیرا در این نظارت نیز هدف، افزایش بهره‌وری و کارایی بانک، رعایت ضوابط و مقررات احتیاطی بانکی و در نهایت، کمک به سلامت و امنیت مالی در راستای اعتلای بیشتر سطح اعتماد عمومی بانک است (محرابی، ۱۳۹۴).

مقررات احتیاطی، بانک‌ها را ملزم به اتخاذ خطمشی و رویه‌هایی می‌کند که منابع در معرض ریسک آنها را نسبت به یک کارگزار تعیین کند. آنها شرایط مالی کارگزار، اندازه، شکل و سررسید منابع در معرض ریسک را در نظر می‌گیرند. بانک‌ها می‌توانند به منظور کاهش واقعی خطر و به حداقل رساندن مسئولیت تطبیق، برای تخصیص منابع سیاست‌های انعطاف‌پذیری داشته باشند. هیئت‌مدیره بانک باید هر ساله سیاست‌ها و رویه‌های بانک را بررسی کند، اما ضرورتی ندارد که برای روابط با هر کارگزار خطمشی خاصی اتخاذ کند. بازرسان تعیین خواهند کرد که دستورالعمل‌هایی که هیئت‌مدیره تأیید می‌کند، خطرهای نقدینگی و اعتباری از جمله خطرهای عملیاتی را پوشش می‌دهند. لازم است برای ایجاد و حفظ روابط با کارگزاران، چنین ملاحظاتی وجود داشته باشد. خطر نقدینگی، خطر پرداختی است که برای مدتی با تأخیر مواجه می‌شود. برای مثال، یک بانک، زمانی در معرض خطر نقدینگی قرار می‌گیرد که پرداخت‌های بانکی که بدهکار است به دلیل ناتوانی، با تأخیر مواجه شود. خطر اعتباری یک بانک می‌تواند کمتر باشد [به دلیل توزیع وجوه دریافتی از کارگزار (در بانک)]، ریسک عملیاتی خطر مربوط به مشکلات گردش کار است و می‌تواند مخاطرات نقدینگی ایجاد کند. برای مثال، اگر کارگزار پردازش اطلاعاتی گسترده‌ای داشته باشد، از کار افتادن سیستم (کامپیوتر) می‌تواند از انجام پرداخت جلوگیری کند. بانک این منابع در معرض ریسک را در فرایند عملیاتی منظور می‌کند.

خطمشی و رویه‌های بانک باید به ترتیبی باشد که شرایط مالی هر کارگزاری را که منابع در معرض ریسک نسبت به آن حائز اهمیت است، بررسی کند. بانک، منابع در معرض ریسک حائز اهمیت را ارزیابی می‌کند. این ارزیابی اندازه منابع در معرض ریسک و سررسید آن را به شرایط مالی بانک مرتبط می‌کند. تعداد دفعات این بررسی‌ها به اندازه، سررسید منابع در معرض ریسک و شرایط مالی کارگزار بستگی دارد. برای مثال، رویه بسیاری از بانک‌ها بررسی جامع سالانه وضعیت مالی کارگزار را ایجاد می‌کند. زمانی که منابع در معرض ریسک نسبت به یک کارگزار بالاست یا کارگزار از نظر مالی شرایط نامطلوبی را تجربه می‌کند، بانک‌ها لازم می‌دانند هر شش ماه یک بار بررسی‌های جامع انجام دهند.

لازم نیست بانک‌ها شرایط مالی کلیه کارگزاران خود را بررسی کنند. بررسی وضعیت مالی کارگزاری که سطح منابع در معرض ریسک بانک نسبت به آنها فاقد اهمیت است (مثل وجوه نگهداری شده به منظور تسویه)، ضرورتی ندارد. سایر اشکال منابع در معرض ریسک بی‌اهمیت شامل خطر مربوط به بانک وصول‌کننده‌ای که برات یا چکی که مأمور وصول آن است، برگشت خورده

باشد، خطر مربوط به بانک‌گشایش‌کننده اعتباری که انتقال حساب بدهکار دستور پرداخت گروهی پایا یا تسویه آن انجام نشود و خطر بانک دریافت‌کننده وجه که انتقال حساب بستانکار دستور پرداخت گروهی پایا یا تسویه آن انجام نشود.

کارایی سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری کارا، از مسئولیت‌های بسیار مهم مدیر شرکت است، به طوری که اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، محرکی برای جریان‌های نقدی آتی و ارزشیابی نهایی شرکت است. اگر سرمایه‌گذاری بانک ناکارا باشد، تخصیص منابع شرکت به شکل بهینه انجام نمی‌شود و بر منافع سهام‌داران اثرهای زیان‌باری می‌گذارد. کارایی سرمایه‌گذاری جزء مهمی از ادبیات مالی شرکتی است که تأثیر آن بر ادبیات مالی مانند بودجه‌بندی، ساختار سرمایه و سیاست‌های تقسیم سود، به خوبی شناخته نشده است. اگر شرکت تصمیم به تأمین مالی بگیرد، هیچ تضمینی در خصوص سرمایه‌گذاری کارا وجود ندارد. برای مثال، مدیران ممکن است با انتخاب پروژه‌های نامناسب، به شکل ناکارآمدی سرمایه‌گذاری کنند، در نتیجه، انتخاب پروژه‌های ضعیف موجب سرمایه بیشتر از حد می‌شود (ماریه و آزاگیها^۱، ۲۰۱۷). کارایی سرمایه‌گذاری عبارت است از هدایت منابع در فعالیتهایی که سرمایه بیش از حد مطلوب دارند و جلوگیری از مصرف منابع در فعالیتهایی که سرمایه بیش از حد مطلوب دارند (بادآور نهندی و همکاران، ۱۳۹۳). می‌توان گفت یکی از عوامل تعیین‌کننده در کارایی سرمایه موفق، توانایی پیش‌بینی بازدهی سرمایه است. این گونه پیش‌بینی‌ها عنصر اساسی در موفقیت شرکت‌ها هستند، اما جنبه درون‌سازمانی داشته و استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی نمی‌توانند آنها را مشاهده کنند. بنابراین، در این زمینه به معیاری نیاز است که برای ذی‌نفعان برون‌سازمانی به منظور ارزیابی وظیفه مباشرت مدیریت در این زمینه مشاهده‌شدنی باشد. پیش‌بینی سود نه تنها از نظر ارائه انتظارات مدیریت در رابطه با سود دوره آتی، بلکه از نظر ارائه اطلاعاتی در رابطه با دانش مدیریت در رابطه با محیط اقتصادی و توانایی وی در پیش‌بینی جنبه‌های جدید تجاری که عنصر اساسی در سرمایه‌گذاری موفق است برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی سودمند است (گودمن، شورف، نیمته و وایت^۲، ۲۰۱۴).

برخی از عوامل بر کارایی سرمایه تأثیر دارند و در تصمیم‌های مالی به آنها توجه می‌شود که عبارت‌اند از:

1. Marie & Azhagaiah
2. Goodman, Shroff, Neamtui & White

- توان سودآوری: از نظر سود هر سهم، تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام مطلوب‌تر از تأمین مالی از محل بدهی است. از سوی دیگر، وقتی سطح سود قبل از بهره و مالیات بالا است، از نظر سود هر سهم تأمین مالی از طریق بدهی خوشایندتر از تأمین مالی از طریق سهام عادی است.
- درجهٔ ریسک: تصمیم‌های مربوط به کارایی سرمایه در وضعیتی اتخاذ می‌شود که مدیران باید توجه خود را به آثار روش‌های تأمین مالی بر میزان ریسک و بازده شرکت معطوف کنند و از این راه، اثر کارایی سرمایه را بر ثروت سهام‌داران ارزیابی کنند که به دو نوع ریسک تقسیم می‌شود؛ ریسک تجاری به معنای میزان ریسکی که در صورت استفاده نکردن از بدهی به دارایی‌های شرکت مربوط می‌شود و ریسک مالی که به استفاده از اوراق بهادار و دارای هزینهٔ ثابت (بدهی و سهام ممتاز) اطلاق می‌شود.
- کنترل: چنانچه شرکت بخواهد وجوه عمده‌ای را از طریق بازار سرمایه و از محل فروش سهام عادی به افراد بیرونی به دست آورد، ناگزیر است بپذیرد که این راه تأمین مالی ممکن است برای سهام‌داران اولیه خوشایند نباشد. بنابراین، هنگامی که اشخاصی خارج از شرکت در مالکیت سهام شرکت می‌کنند، مؤسسان اولیه نگران خواهند شد که سهم آنها از مالکیت شرکت کاهش یابد و نتوانند مانند گذشته بر امور شرکت کنترل داشته باشند (برترند و مولاناتان، ۲۰۱۱).

ارتباط نظری مقررات احتیاطی بر سرمایهٔ بانک‌ها و ریسک‌پذیری مبتنی بر نظریهٔ سپر سرمایه

در تئوری سپر سرمایه پیش‌بینی می‌شود که یک بانک با رویکرد حداقل سرمایهٔ نرخ سرمایهٔ قانونی، ممکن است انگیزه‌ای برای افزایش سرمایه و کاهش ریسک به‌منظور اجتناب از هزینه‌های تنظیمی الزامات سرمایه داشته باشد. با این حال، بانک‌های دارای سرمایهٔ ضعیف، همچنان ممکن است وسوسه شوند تا برای دستیابی به بازده انتظاری بالا ریسک بیشتری بپذیرند که به آنها کمک خواهد کرد تا سرمایهٔ خود را افزایش دهند. مقررات احتیاطی بر سرمایهٔ بانک‌ها، یکی از موضوع‌هایی است که به‌خصوص پس از بحران مالی، توجه محققان بسیاری را به خود جلب کرده است. پیشینهٔ تحقیقات تجربی این موضوع به سال ۱۹۹۲ در بانک‌های اروپایی و امریکایی بر می‌گردد که داهل

مطرح کرد و به‌تازگی در کشورهای در حال توسعه، مانند بانک‌های آسیایی انجام شده است. نظارت احتیاطی بر بازارهای مالی، به‌منظور کاهش ریسک‌های موجود در بازارهای مالی انجام می‌شود که شامل نظارت احتیاطی خرد و نظارت احتیاطی کلان است. به‌طور کلی، نظارت احتیاطی خرد مجموعه اصول و مقرراتی است که برای سلامت و ایمنی عملکرد انفرادی بنگاه‌های مالی به‌کار گرفته می‌شود و در مقابل، نظارت احتیاطی کلان به خطرهای معطوف می‌شود که کلیت یک بازار مالی را تهدید می‌کنند و ممکن است این خطرها از بازارهای مالی دیگر سرایت کرده باشند یا در نابسامانی‌هایی که در کل اقتصاد به وجود می‌آیند، ریشه داشته باشند. پیش از وقوع بحران مالی اقتصاد جهانی سال ۲۰۰۷ میلادی، نظارت بر بازارهای مالی به‌طور عمده شامل نظارت احتیاطی خرد بود، اما پس از بحران، به نظارت احتیاطی کلان نیز به‌طور جدی توجه شد و کشورهای مختلف ساختارهای نظارتی خود را طوری بازطراحی کردند که نظارت احتیاطی کلان را نیز شامل شود (مصطفی‌پور، ۱۳۹۴).

از نظر جکیپی و میلن^۱ (۲۰۱۳)، وجود هزینه‌های تعدیل سرمایه باعث می‌شود تا بانک‌ها مقررات احتیاطی را بر سرمایه بیشتری لحاظ کنند. در واقع، بین مقررات احتیاطی بر سرمایه و تکانه‌های چرخه اقتصاد برای بانک‌های تجاری و پس‌انداز، رابطه‌ای منفی وجود دارد. وی معتقد بود که پیمان بازل مقداری از مشکلات موجود در چرخه‌های تجاری بالقوه و تأثیر آن بر کفایت سرمایه بانک‌ها را می‌پوشاند.

از نظر تاریخی در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی مشخص شد که تشدید پدیده ریسک در حوزه عملیات مالی و اعتباری خارجی، در ایجاد بحران‌های اقتصادی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. پس از بروز نخستین نشانه‌های ناشی از بی‌توجهی کشورها به عامل ریسک که در قالب انواع بحران‌های مالی در کشورهای مختلف ظاهر شد، این فکر تقویت شد که لازم است به ترتیب‌های مالی و نظارتی ویژه‌ای توجه شود تا با تقویت بنیادهای مالی و سرمایه مؤسسه‌های مالی کشورها، امکان پیشگیری از بی‌ثباتی مالی و به‌تبع آن، بی‌ثباتی بخش اقتصادی فراهم شود. از طرفی دیگر، در سال‌های اخیر، توجه به مالکان نهادی به‌عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی افزایش یافته است. تحقیقات زیادی با موضوع مالکان نهادی انجام شده که نشان می‌دهد این مالکان، مدیریت شرکت را به تمرکز روی نقدینگی و اجتناب از رفتارهای فرصت‌طلبانه وا می‌دارند، اما به‌طور کلی نقش مالکان نهادی

به‌عنوان عاملی اثرگذار بر نقدینگی، کفایت سرمایه و پذیرفته شده است (مک کونل و سرویز^۱، ۲۰۱۲).

بویاکری، کوست، فیشر و گودهامی^۲ (۲۰۱۵) متقدند که ریسک‌پذیری بانک‌های خصوصی‌شده به‌طور منفی با سطح مالکیت دولت در دوره پس از خصوصی‌سازی ارتباط دارد. در دیدگاه مدیریتی فرض می‌شود که کمبود نظارت و پاسخ‌گویی از طرف مدیران بانک‌های دولتی به تمایل به پذیرش ریسک بالاتر برای منافع شخصی منجر می‌شود. نمایندگان که مسئولیت تحمل عواقب ناشی از ریسک‌های پذیرفته‌شده خود را ندارند، به راحتی می‌توانند به قمارباز تبدیل شوند. نبود محدودیت‌های بودجه، فشار روی بانک‌های دولتی را برای پذیرش خطر بیشتر، افزایش می‌دهد. بانک‌های دولتی به دلایل متعدد از سایر بانک‌ها متمایزند. یکی از آنها نبود محدودیت بودجه است که به‌طور معمول مؤسسه‌های دولتی به دلیل نوع فعالیت خود از آن برخوردارند. مؤسسه‌های دولتی، به‌عنوان بخشی از دولت، در مواقع نیاز و بحران از جانب دولت به اندازه کافی تأمین مالی می‌شوند. به همین دلیل، مدیریت بانک دولتی با علم وجود و حمایت دولت، به فعالیت‌های پرریسک حتی در راستای منافع شخصی خود دست خواهد زد. در حالی که بانک‌های خصوصی فقط در زمانی که با مشکل مالی برخورد می‌کنند، می‌توانند از حمایت دولت بهره‌مند شوند، منطقی است که بگوییم بنگاه‌های دولتی به خصوص بانک‌های وابسته به دولت، راحت‌تر از مؤسسه‌های خصوصی می‌توانند از حمایت‌های سیاستی دولت بهره‌مند شوند؛ زیرا اگر بانک در مالکیت دولت ورشکست شود، برای کل اقتصاد عوارض وخیمی به همراه خواهد آورد (بویاکری و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین از نظر بارال (۲۰۱۴) ریسک به‌عنوان نوعی تهدید، فعالیت بانک‌ها را تحت تأثیر قرار داده است و در این میان، ریسک به دلیل ناشی شدن از عملیات بانکی مهم، یعنی اعطای تسهیلات، از اهمیت دوچندان برخوردار است. ریسک یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر سلامت سیستم بانکی است.

لویی^۳ (۱۹۹۱)، مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه بانک‌ها را مطرح کرد. ایجاد مقررات‌گذاری احتیاطی به آن دلیل بااهمیت است که به سلامت مالی هر بانک و در نهایت، حفظ یک شبکه بانکی سالم از طریق تأمین امنیت سپرده‌ها و جلوگیری از بحران‌ها منجر می‌شود. به گفته لارا و اسما و پنالوا^۴ (۲۰۱۶)، کارایی سرمایه‌گذاری شناسایی و تأمین مالی و اجرای پروژه‌های باارزش فعلی خالص

1. McConnell & Servaes

2. Boubakri, Cosset, Fischer & Guedhami

3. Looi

4. Garcia Lara, Garsia Osma & Penalva

مثبت در نظر گرفته شده و ناکارایی نیز نادیده گرفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری با خالص ارزش فعلی مثبت (سرمایه‌گذاری کمتر از حد) یا انتخاب پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی (سرمایه‌گذاری بیشتر از حد) تعریف شده است.

پیشینه تحقیقات داخلی

سامانی‌پور و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی، الزامات نظارت احتیاطی کلان و تأثیر آن بر ثبات نظام بانکی ایران را بررسی کردند. در این تحقیق، با تبیین الزامات نظارت احتیاطی کلان و با استفاده از متغیرهایی اقتصاد کلان از قبیل تورم، نرخ ارز، رشد تولید ناخالص داخلی و متغیرهای برگرفته از ترازنامه بانک‌ها از جمله سود، حقوق صاحبان سهام، مطالبات غیرجاری و تسهیلات اعطایی بانک‌ها، ثبات شبکه بانکی کشور بررسی شده است. بر اساس نتایج تحقیق، ثبات بانکی دوره قبل، تورم، اختلاف نرخ سود سپرده و تسهیلات، نرخ ارز، بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت سرمایه به تسهیلات و نرخ رشد اقتصاد جهان بر شاخص ثبات اثر مثبت دارند. همچنین، شاخص مالی بورس اوراق بهادار، قیمت نفت، نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی و مطالبات غیرجاری، بر ثبات بانکی دارای اثر منفی هستند. برای انجام این تحقیق، داده‌های ۳۱ بانک کشور در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته به صورت پنل پویا استفاده شده است.

دهقان دهنوی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی، نحوه اثرگذاری عوامل تعیین‌کننده ریسک‌پذیری در صنعت بانکداری ایران را با تأکید خاص بر متغیر ساختار مالکیت بانک‌ها بررسی کرده‌اند. برای دستیابی به این هدف با استفاده از روش داده‌های تابلویی، نحوه تأثیرگذاری متغیرهای مختلفی بر شاخص‌هایی از ریسک اعتباری و ثبات بانک‌ها برآزش شده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق که از یک نمونه داده‌های تابلویی شامل ۱۸ بانک طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ استفاده می‌کند، به طور کلی بانک‌هایی که دارای تمرکز مالکیت بالایی هستند، در معرض ریسک بیشتری قرار دارند. تمرکز مالکیت در بانک‌هایی خصوصی، باعث افزایش ریسک و کاهش شاخص ثبات شده و در بانک‌های دولتی، موجب افزایش ریسک (مانند بانک‌هایی خصوصی، اما با شدت کمتر) و افزایش شاخص ثبات (خلاف رفتار بانک‌های خصوصی) می‌شود. همچنین، سایر نتایج نشان می‌دهند که اندازه بانک، سودآوری، بهره‌وری و نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی، روی ریسک‌های اعتباری و ثبات بانک‌ها، تأثیر معناداری دارند.

فشاری (۱۳۹۶) در تحقیقی، اثرگذاری ساختار مالکیت بانک و تغییرات آن بر رفتار ریسک‌پذیری بانک‌های دولتی تخصصی و تجاری، بانک‌های خصوصی تجاری و بانک‌های خصوصی‌شده (بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی) را بررسی کرده است. برای این منظور، برای برآورد مدل تجربی به روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زننده گشتاور تعمیم‌یافته، از دو الگو استفاده شده است. در الگوی نخست، نوع و ساختار کلی مالکیت بر ریسک‌پذیری بانک‌ها و در الگوی دوم، اثر تغییرات ساختار مالکیت و واگذاری بانک‌هایی دولتی به بخش خصوصی بر ریسک‌پذیری آنها بررسی شده است. نتایج تخمین مدل بیانگر این است که بانک‌هایی دولتی نسبت به بانک‌هایی خصوصی در معرض ریسک بیشتری قرار دارند. این در حالی است که تمرکز مالکیت تأثیر معناداری بر ریسک بانکی ندارد. همچنین بانک‌های خصوصی‌شده در دوره بعد از خصوصی‌سازی کاهش محسوسی در ریسک تجربه کرده‌اند. این در حالی است که بانک‌های رقیب (سایر بانک‌های خصوصی و دولتی) در این دوره تغییرات محسوسی در ریسک‌پذیری نداشته‌اند. بنابراین، می‌توان بیان کرد که تغییرات در ریسک بانک‌ها ناشی از خصوصی‌سازی آنها بوده است.

محقق نیا یکتا و پاک نیت (۱۳۹۶) در تحقیقی، ارزیابی هم‌زمان مقررات احتیاطی را بر سرمایه و رفتار ریسک‌پذیری بانک‌ها بررسی کرده‌اند. برای رسیدن به این هدف، از مدل پانل برای بیست بانک ایرانی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ استفاده شد. در این تحقیق نشان داده شده است که مقررات احتیاطی، سرمایه بانک‌ها را افزایش و ریسک‌پذیری آنها را کاهش می‌دهد. همچنین، مقررات احتیاطی رفتار احتیاطی بانک‌ها را از طریق کاهش ریسک‌پذیری و افزایش سرمایه آنها، افزایش می‌دهد که نشان می‌دهد، اکثر بانک‌هایی کشور در سال‌های اخیر در راستای چارچوب‌های نظارتی و مقررات بین‌المللی (حداقل در چارچوب بازل یک) حرکت کرده‌اند. از طرف دیگر، با استفاده از معادلات هم‌زمان این نتیجه به دست آمد که سودآوری بانک، با سطح سرمایه پیشنهادی بانک رابطه معناداری ندارد که نشان می‌دهد بانک‌های ایرانی برای ساختن سپر سرمایه خود، به منابع داخلی خود تکیه نمی‌کنند.

ابراهیمی و رنگریز (۱۳۹۴) در تحقیقی، تأثیر سرمایه بر سودآوری و ریسک در بانک را بررسی کرده‌اند. در این تحقیق، اطلاعات هفت بانک انتخاب شده و تأثیر سرمایه بر سودآوری و ریسک در بانک، با استفاده از مدل رگرسیونی بررسی شده است. داده‌ها با رجوع به سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار ره‌آورد نوین گردآوری شده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده در این تحقیق، برای ارزیابی سودآوری از دو شاخص بازده کل دارایی و بازده سرمایه و برای ارزیابی ریسک

از نوسان‌های بازده کل دارایی و نوسان‌های بازده سرمایه استفاده شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، در صورتی که سرمایه بانک افزایش پیدا کند، سودآوری بانک افزایش می‌یابد، اما افزایش سرمایه بانک نمی‌تواند به‌طور کامل ریسک بانک را کاهش دهد.

منصورفر، غیور و راستی آذر (۱۳۹۲) در تحقیقی، رابطه بین ریسک‌پذیری و عملکرد شعب بانک ملی استان آذربایجان غربی را بررسی کرده‌اند. برای بررسی عملکرد شعب، از شاخص سودآوری نسبت سود به درآمد شعب استفاده شد. در این تحقیق تمامی شعب بانک ملی (۹۲ شعبه) در سطح استان آذربایجان غربی بررسی شدند و برای بررسی رابطه بین ریسک‌پذیری و عملکرد بانک‌ها، دو مدل ارائه شد. در مدل نخست، ریسک‌پذیری فردی و در مدل دوم، ریسک‌پذیری سازمانی به‌عنوان متغیر مستقل استفاده شدند و از متغیرهای سن و مدرک تحصیلی مدیران، تعداد کارمندان شعب، مانده تسهیلات و سپرده‌ها و درصد مطالبات معوق نیز به‌عنوان متغیرهای کنترل استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین ریسک‌پذیری فردی، سازمانی و عملکرد، رابطه خطی مثبت و معناداری وجود دارد. متغیرهای کنترلی سن از مدل نخست و درصد مطالبات معوق از مدل دوم به‌علت بالا بودن سطح معناداری ضرایب رگرسیونی حذف شدند و نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی باقی‌مانده نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار بین مانده تسهیلات و سپرده‌ها با نسبت سود به درآمد شعب و رابطه منفی و معنادار بین کارمندان شعب و مدرک تحصیلی مدیران با شاخص سودآوری استفاده‌شده در این تحقیق هستند.

موسویان و میسمی (۱۳۹۱) در تحقیق خود، تجارب کشورهای گوناگون اسلامی و غیراسلامی را در رابطه با قوانین احتیاطی و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی، ارزیابی و تحلیل کردند. در این تحقیق تلاش می‌شود تا ضمن مقایسه جامع این الگو، تشابه‌ها و تفاوت‌های آنان بررسی و تحلیل شود و به‌منظور حل مشکلات موجود راهکارهای ارائه شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که راه‌اندازی الگوی قوانین احتیاطی و نظارت شرعی در نظام بانکداری بدون ربا در کشور امکان‌پذیر بوده و می‌تواند منافع شخصی به‌همراه داشته باشد که یکی از آنها ارتقای سطح اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی است.

خدایی وله زاقرد و یحیایی (۱۳۸۹) رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه را بررسی کردند. بر اساس نتایج آنها، بین کیفیت گزارشگری مالی و ناکارایی سرمایه‌گذاری رابطه منفی وجود دارد. سرمایه‌گذاری کمتر از حد و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد، هر دو از مصادیق ناکارایی سرمایه هستند. همچنین، بین کیفیت گزارشگری مالی و سرمایه کمتر از حد رابطه منفی و معناداری وجود دارد و بین کیفیت گزارشگری مالی و سرمایه بیشتر از حد رابطه منفی است، اما معنادار نیست.

پیشینه تحقیقات خارجی

بوگاتف و مگادمی^۱ (۲۰۱۷)، اثر مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری بانک‌ها را با استفاده از ۲۴ بانک در منطقه‌ی مناهم‌زمان بررسی کردند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که مقررات احتیاطی باعث کاهش ریسک‌پذیری و افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها نمی‌شود. همچنین دریافتند که سودآوری بانک با سطح سرمایه‌گذاری پیشنهادی رابطه‌ی مثبت دارد و عقب‌ماندگی بازارهای مالی در کشورهای مناسبتاً شده تا بانک‌ها برای ساختن سرمایه‌ی احتیاطی خود، بیشتر روی منابع داخلی تکیه کنند. افزون بر این، بین اندازه‌ی بانک و ریسک یک رابطه‌ی معکوس قوی نشان می‌دهند و پیشنهاد می‌کنند که بانک‌های بزرگ در مدیریت سطوح ریسک خود از طریق تنوع‌سازی تجربه‌ی زیادی دارند.

سریری^۲ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان ساختار مالکیت و رفتار ریسک‌پذیری بانک‌های اسلامی و متعارف: کشورهای عضو منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا، تأثیر مالکیت بانک را از دو جنبه‌ی ماهیت و تمرکز آن بر ریسک‌پذیری بانک‌ها بررسی کرده است. وی ریسک‌پذیری سه نوع متفاوت بانک از لحاظ مالکیت را یعنی بانک‌های شخصی، بانک‌های شرکتی و بانک‌های دولتی، مقایسه کرده است. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی منفی بین تمرکز مالکیت و ریسک‌پذیری است. اقشار متفاوت صاحبان سهام در پذیرش ریسک نیز متفاوت هستند. بانک‌های خصوصی یا خانوادگی ریسک‌گریزتر هستند. در مقابل، بانک‌های دولتی ریسک‌پذیرتر بوده و در مقایسه با سایر بانک‌ها میزان شایان توجهی از وام‌های اعطایی آنها غیراقتصادی است. مقایسه‌ی بانک‌های اسلامی و متعارف‌یافته نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی خصوصی مانند هم‌تایان خود در سیستم متعارف باثبات هستند، این درحالی است که بانک‌های اسلامی در مقایسه با متعارف، به ریسک‌اعتباری تمایل کمتری دارند.

چون، ناگانو و لی^۳ (۲۰۱۵) در تحقیقی، اثرهای مالکیت مدیریتی بر رفتار ریسک‌پذیری را در بانک‌های کشور کره و ژاپن بررسی کردند و اثبات کردند که مالکیت به‌تنهایی بر ریسک‌پذیری و حتی سطح سودآوری بانک‌های کره‌ای تأثیر معناداری ندارد. در مقابل، در بانک‌های چین افزایش مالکیت مدیریتی سطح ریسک کل بانک را افزایش می‌دهد. این در حالی است که افزایش این ریسک به بازدهی بیشتر بانک‌ها منجر نشده است. ضریب تعاملی بین میزان حق رأی و مالکیت مدیریتی برای بخش بانکداری هر دو کشور منفی و معنادار بوده است. این به این معنا است که افزایش مالکیت مدیریتی همراه با حق رأی بالا رفتار ریسک‌پذیر را کاهش می‌دهد. همچنین، نتایج

1. Bougataf & Mgadmi

2. Sariri

3. Chun, Nagano & Lee

این تحقیق با تحقیقات قبلی آنها در زمینه فرعیه مخاطرات اخلاقی در تحقیقات اقتصاد آمریکا و سایر کشورها هم‌سو است.

لیون و لوین^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان کمیت بانک، قوانین احتیاطی و ریسک‌پذیری به بررسی و ارزیابی تجربی روابط ریسک‌پذیری بانکی و ساختار و قوانین بانک‌ها پرداخته و به این نتیجه رسیدند که بانک‌های دارای مالکیت قدرتمندتر، به ریسک‌پذیری بیشتری تمایل دارند. سهام‌داران نیز از غیرسهام‌داران و بستانکاران برای افزایش ریسک‌پذیری مدیران، انگیزه قوی‌تری دارند. همچنین، سهام‌داران با نفوذ برای ایجاد جریان نقد زیاد و اعمال قدرت بیشتر، مدیران بانک را به افزایش ریسک و ریسک‌پذیری وادار می‌کنند. این تحقیق، به تأثیر مقررات و قوانین احتیاطی بانکی بر ریسک‌پذیری نیز پرداخته و به این نتیجه رسیده است که با توجه به ساختار مالکیت بانک، قوانین احتیاطی بانک می‌تواند باعث افزایش یا کاهش ریسک‌پذیری مدیران شود.

چنگ، هالیوال و ژانگ^۲ (۲۰۱۴) در تحقیقی، تأثیر گزارش افشای ضعف‌های موجود در کنترل‌های داخلی را بر کارایی سرمایه بررسی کردند. هدف آنها، ارزیابی تأثیر کیفیت گزارش‌گری مالی در زمینه وضعیت داخلی شرکت بر کیفیت سرمایه‌گذاری و کارایی سرمایه است. رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در خصوص افشای ضعف‌های موجود در کنترل‌های داخلی با توجه به قانون ساربنز اکسلی ارزیابی شد. بر اساس نتایج، شرکت‌هایی که با کم‌سرمایه‌گذاری مواجه هستند، دارای فشار مالی بوده و شرکت‌هایی که با بیش سرمایه‌گذاری مواجه می‌شوند این فشار مالی را ندارند. همچنین نتایج نشان داد که افشای ضعف‌های موجود در کنترل‌های داخلی طی گزارش‌های مالی، به بهبود کارایی سرمایه به‌صورت معنادار منجر می‌شود.

جکیپی و میلن (۲۰۱۳)، رابطه بین تغییرات نگهداری سرمایه و مقررات احتیاطی بر سرمایه و ریسک اعتباری را روی شرکت‌های هلدینگ بانک‌ها و بانک‌های تجاری آمریکا بررسی کردند. یک رابطه دوطرفه مثبت نشان می‌دهد که بانک‌ها در پاسخ به افزایش ریسک، سرمایه خود را افزایش می‌دهند و در صورتی که سطح سرمایه آنها افزایش یابد، به پذیرش ریسک بیشتری تمایل دارند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نگهداری سرمایه احتیاطی و مقررات احتیاطی بر سرمایه توسط بانک، تعیین‌کننده اصلی تعدیلات سرمایه و ریسک است.

1. La even & Levine

2. Mei Cheng, Dan Dhaliwal & Yuan Zhang

فرضیه‌های تحقیق

در این تحقیق دو فرضیه مطرح شده است که عبارت‌اند از:

۱. بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری رابطه معناداری وجود دارد.
۲. کارایی سرمایه‌گذاری بر ارتباط بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری نقش تعدیلگر دارد.

روش تحقیق

فرضیه‌های تحقیق با استفاده رگرسیون چندگانه آزمون شده‌اند. از مدل ۱ برای آزمون فرضیه اول و از مدل ۲ برای فرضیه دوم استفاده شده است.

$$\begin{aligned} \text{Risk Taking}_{it} & \quad \text{(مدل ۱)} \\ & = \alpha_0 + \beta_1 \text{Capital Sufficiency}_{it} + \beta_2 \text{SIZE} + \beta_3 \text{ROA} \\ & + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \text{Risk Taking}_{it} & \quad \text{(مدل ۲)} \\ & = \alpha_0 + \beta_1 \text{Capital Sufficiency}_{it} \\ & + \beta_2 \text{Investment efficiency} + \beta_3 \text{SIZE} + \beta_4 \text{ROA} \\ & + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

که در این دو مدل، Risk Taking ریسک‌پذیری؛ Capital Sufficiency مقررات احتیاطی بر سرمایه؛ Investment efficiency کارایی سرمایه‌گذاری؛ Size اندازه بانک؛ ROA توانایی مدیریت بانک و ε خطای مدل است.

در ادامه نحوه سنجش متغیرها توضیح داده شده است.

ریسک‌پذیری: متغیر وابسته تحقیق حاضر، ریسک‌پذیری است. این متغیر به پیروی از تحقیق محقق نیا و پاک نیت (۱۳۹۶)، بیدل، هیلاری و وردی^۱ (۲۰۰۸) و فشاری (۱۳۹۶) با استفاده از نسبت تسهیلات غیرجاری به جمع تسهیلات به شرح رابطه ۱ سنجیده شده است.

$$\text{RISKTAKING}_{it} = \frac{\text{Loan N_Current}_{it}}{\text{Total Loans}_{it}} \quad \text{رابطه ۱}$$

1. Biddle, Hilary & Verdi

که در این رابطه، RISK TAKING ریسک‌پذیری؛ Loan N-Current تسهیلات غیرجاری و Total Loans جمع تسهیلات است.

مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه: مقررات احتیاطی بر سرمایه به صورت مجازی سنجیده شده است. بدین صورت که به پیروی از تحقیق محقق نیا و پاک نیت (۱۳۹۶)، چنانچه نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها بالاتر یا مساوی ۸ درصد باشد، عدد ۱ تعلق گرفته و در غیر این صورت، عدد صفر تعلق می‌گیرد. زیرا انتظار می‌رود که افزایش در مقررات احتیاطی سرمایه، بر سطح سرمایه اثر مثبت داشته باشد. قانون بانکداری ایران، بانک‌هایی با نسبت کفایت سرمایه کمتر از ۸ درصد را به‌عنوان بانک‌هایی با کمبود سرمایه در نظر گرفته است. کفایت سرمایه به پیروی از تحقیق محقق نیا و پاک نیت (۱۳۹۶) و بیدل و همکاران (۲۰۰۸)، با استفاده نسبت سرمایه به جمع دارایی به شرح رابطه ۲ سنجیده شده است.

$$CAPITALSufficiency_{it} = \frac{Equity_{it}}{Total\ assets_{it}} \quad \text{رابطه ۲}$$

که در این رابطه، CAPITAL Sufficiency کفایت سرمایه؛ Equity سرمایه نظارتی و Total assets جمع دارایی‌های موزون شده با ریسک است.

سرمایه نظارتی، عامل مهمی در سیاست‌گذاری پولی است، زیرا مبنای عملکرد بانک قرار می‌گیرد و یکی از متغیرهایی است که بانک مرکزی برای نظارت و تنظیم‌گری بانک‌ها از آن استفاده می‌کند. بر اساس استانداردهای بین‌المللی (بازل ۳) حداقل مقدار نسبت کفایت سرمایه باید ۸ درصد باشد. این عدد با مرور زمان و به‌روز شدن قوانین از گذشته تاکنون، همواره افزایشی بوده است.

متغیر تعدیلگر

کارایی سرمایه‌گذاری: در تحقیق حاضر، از متغیر کارایی سرمایه‌گذاری به‌عنوان متغیر تعدیلگر استفاده شده است. کارایی سرمایه‌گذاری با استفاده از رابطه ۳ برآورد می‌شود. به بیان دیگر، در رگرسیون صنعت - شرکت، سطوح سرمایه‌گذاری شرکت پیش‌بینی شده و سپس از خطای مدل به‌عنوان شاخص کارایی سرمایه‌گذاری استفاده شده است. پسماندهای منفی، به‌منزله کارایی سرمایه‌گذاری ضعیف و پسماندهای مثبت، به‌منزله کارایی قوی سرمایه‌گذاری است.

$$\text{Investment}_{it} = \beta_0 + \beta_1 Q_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۳}$$

در این رابطه، Investment نماد سرمایه‌گذاری است که با استفاده از تفاضل مجموع مخارج سرمایه‌ای و مخارج تحقیق و توسعه از مجموع فروش اموال، ساختمان و تجهیزات و استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود محاسبه شده و به صورت درصد بیان می‌شود. Q فرصت سرمایه‌گذاری است که با استفاده از نسبت ارزش بازار دارایی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها محاسبه شده است. ارزش بازار دارایی‌ها، با استفاده از جمع دارایی‌ها با اختلاف ارزش بازار سهام (ضرب تعداد سهام در قیمت سهام) و ارزش دفتری سهام به دست می‌آید.

متغیرهای کنترلی

اندازه بانک: از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها به دست می‌آید.
توانایی مدیریت بانک: از طریق نسبت سود به جمع دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق، کلیه بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ است. با توجه به تعداد کم بانک‌های جامعه آماری، کل این ۲۰ بانک بررسی شده‌اند. بر اساس این نمونه‌گیری، بانک‌هایی که دارای ویژگی‌های زیر بوده‌اند، انتخاب می‌شوند.

۱. قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۷ از فهرست شرکت‌های بورسی حذف نشده باشند.
۲. برای افزایش قابلیت مقایسه سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
۳. اطلاعات آنها در دسترس و وقفه معاملاتی نداشته باشند.

یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی

پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه متغیرهای استفاده شده در تحقیق، پارامترهای توصیفی هر متغیر به صورت مجزا محاسبه می‌شود. آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی برای کل مشاهدات این تحقیق، در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	ریسک‌پذیری	مقررات احتیاطی بر سرمایه	کارایی سرمایه‌گذاری	اندازه بانک	توانایی مدیریت بانک
میانگین	۹/۸۳۰	۰/۵۸۷	۰	۸/۱۴۹	۱/۲۹۸
میانه	۹/۹۰۸	۰	-۰/۰۳۱	۸/۱۴۴	۰/۹۷۸
بیشینه	۳۱/۹۵۹	۱	۰/۳۹۱	۹/۳۴۶	۷/۷۸۴
کمینه	۰	۰	-۰/۱۳۷	۶/۳۹۹	-۱/۹۱۵
انحراف معیار	۵/۹۱۵	۰/۴۸۸	۰/۱۱۸	۰/۶۱۱	۱/۴۳۲

مطابق با قانون بانکداری ایران، آمار توصیفی نشان داد که تقریباً ۵۸ درصد از بانک‌ها، بانک‌هایی هستند با کمبود سرمایه مواجه هستند که کفایت سرمایه کمتر از ۸ درصد دارند. ریسک مربوط به صفر مرتبط با بانک‌هایی است که در نخستین سال تأسیس قرار دارند. میانگین ریسک‌پذیری برابر با ۹/۸۳ است که نشان می‌دهد برخی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، به همکاری با مشتریان بد حساب تمایل دارند.

آزمون فروض کلاسیک رگرسیون

یکی از موضوع‌های مهمی که در اقتصادسنجی با آن برخورد می‌شود، موضوع ناهم‌سانی واریانس است. ناهم‌سانی واریانس به این معناست که در تخمین مدل رگرسیون مقادیر جملات خطا دارای واریانس‌های نابرابر هستند. به‌منظور برآورد واریانس ناهم‌سانی در این تحقیق از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون به‌صورت جدول ۲ بیان می‌شود.

جدول ۲. آزمون ناهم‌سانی واریانس

مدل آزمون فرضیه	آماره وایت	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدل اول تحقیق	۲/۰۰۱۴۸۶	۰/۰۲۴۳	وجود ناهم‌سانی
مدل دوم تحقیق	۲/۰۱۹۸۰۵	۰/۰۱۵۵	وجود ناهم‌سانی

نتایج حاصل از آزمون وایت در جدول ۲ آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد که آماره F مدل‌های تحقیق در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. در نتیجه، فرضیه صفر مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس در بین داده‌های مدل در سطح خطای ۵ درصد در مدل‌های تحقیق تأیید می‌شود. به همین دلیل، برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس، باید برای مدل‌های رگرسیونی از GLS استفاده کرد.

نبود خودهمبستگی

در تحقیق حاضر، برای تشخیص وجود یا نبود خودهمبستگی از آزمون بروش گادفری استفاده شده است.

جدول ۳. آزمون بروش گادفری

نتیجه آزمون	سطح معناداری	آماره وایت	مدل آزمون فرضیه
وجود خودهمبستگی	۰/۰۰۰۱	۹/۹۰۴۷۳۹	مدل اول تحقیق
وجود خودهمبستگی	۰/۰۰۰۳	۸/۶۰۴۱۹۷	مدل دوم تحقیق

نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان گادفری در جدول ۳ آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر نبود خودهمبستگی در بین داده‌های مدل در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. به همین دلیل، در برازش مدل‌های اصلی رگرسیونی باید از جزء $AR(2)$ استفاده کرد.

نتایج تخمین مدل اول تحقیق

مقدار F رگرسیون که توان توضیح‌دهندگی مدل را نشان می‌دهد، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین، مشاهده مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۱۶۰۷۲۶) نیز نشان می‌دهد که بین اجزای اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد.

فرضیه نخست تحقیق، رابطه بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری را بررسی کرده است. همان‌گونه که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، سطح معناداری برای متغیر مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه ۰/۰۳۵۵ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. از این رو، می‌توان گفت که بین

مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری بانک‌ها رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه‌ی نخست تحقیق رد نمی‌شود.

جدول ۴. نتایج مربوط به تخمین مدل اول تحقیق

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقررات احتیاطی بر سرمایه	CAPITALSUFFICIENCY	-۰/۰۴۷۰۲۵	۰/۰۲۲۳۴۵	-۲/۱۰۴۴۸۷	۰/۰۳۵۵
کارایی سرمایه‌گذاری	INVESTMENTEFFICIENCY	۰/۰۸۱۸۴۲	۰/۰۱۲۱۳۵	۶/۷۴۴۱۳۷	۰/۰۰۰۰
اندازه بانک	SIZE	-۰/۰۵۲۳۶۹	۰/۰۰۲۴۸۴	-۲۱/۴۴۳۵۵	۰/۰۰۰۰
توانایی مدیریت بانک	ROA	-۰/۴۲۶۴۲۷	۰/۰۷۸۳۹۲	-۵/۴۳۹۶۷۲	۰/۰۰۰۰
ضریب ثابت	C	۰/۵۴۸۷۳۶	۰/۰۲۰۴۳۳	۲۶/۸۵۵۰۱	۰/۰۰۰۰
وقفه زمانی	AR(۲)	-۰/۰۴۷۰۲۵	۰/۰۲۲۳۴۵	-۲/۱۰۴۴۸۷	۰/۰۳۵۵

نتایج تخمین مدل دوم تحقیق

مقدار F رگرسیون که نشان‌دهنده توان توضیح‌دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین مشاهده مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۲۱۴۱۱۲) نیز نشان می‌دهد که بین اجزای اخلال خودهم‌بستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد.

فرضیه دوم تحقیق، نقش تعدیلگر کارایی سرمایه‌گذاری بر ارتباط بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری را بررسی کرده است. همان‌گونه که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، سطح معناداری برای متغیر مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه با حضور کارایی سرمایه‌گذاری در مدل ۰/۰۰۰۰ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. از این رو، می‌توان گفت بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد و با حضور کارایی سرمایه‌گذاری در مدل، بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری بانک‌ها رابطه قوی وجود دارد و کارایی

سرمایه‌گذاری بر ارتباط بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری بانک‌ها نقش تعدیلگر دارد.

جدول ۵. نتایج مربوط به تخمین مدل دوم تحقیق

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقررات احتیاطی بر سرمایه	CAPITALSUFFICIENCY	۰/۰۸۱۸۴۲	۰/۰۲۱۳۵	۶/۷۴۴۱۳۷	۰/۰۰۰۰
کارایی سرمایه‌گذاری	INVESTMENTEFFICIENCY	-۰/۰۵۳۲۶۹	۰/۰۰۲۴۸۴	-۲۱/۴۴۳۵۵	۰/۰۰۰۰
تعامل کارایی سرمایه‌گذاری و مقررات احتیاطی بر سرمایه	CAPITALSUFFICIENCY*INVESTMENTEFFICIENCY	-۰/۴۲۶۴۲۷	۰/۰۷۸۳۹۲	-۵/۴۳۹۶۷۲	۰/۰۰۰۰
اندازه بانک	SIZE	۵۴۸۷۳۶	۰/۰۲۰۴۳۳	۲۶/۸۵۵۰۱	۰/۰۰۰۰
توانایی مدیریت بانک	ROA	۰/۶۵۳۵۸۸	۰/۱۱۵۲۵۸	۵/۶۷۰۶۶۲	۰/۰۰۰۰
ضریب ثابت	C	-۰/۳۶۹۴۰۶	۰/۰۲۷۱۳۹	-۱۳/۶۱۱۷۲	۰/۰۰۰۰
وقفه زمانی	AR(۲)	۰/۱۵۵۹۵۴	۰/۰۳۵۴۷۲	۴/۳۹۶۶۰۰	۰/۰۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این تحقیق، ارزیابی هم‌زمان مقررات احتیاطی بر سرمایه و رفتار ریسک‌پذیری بانک‌ها با توجه به نقش تعدیلگر کارایی سرمایه‌گذاری است. شواهد نشان داد که بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری بانک‌ها در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد و کارایی سرمایه‌گذاری بر ارتباط بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری بانک‌ها نقش تعدیلگر دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مقررات احتیاطی بر رفتار احتیاطی بانک‌ها از طریق کاهش ریسک و افزایش سرمایه مؤثر است. این نتیجه با نتایج تحقیق بوگاتف و مگادمی (۲۰۱۷) مطابقت دارد. با توجه به پذیرش فرضیه‌ها و نتایج حاصل از تحقیق و اهمیت موضوع می‌توان به مدیران بانکی پیشنهاد داد که از سرمایه‌گذاری‌های شرکت به‌صورت کارا استفاده کنند تا مقررات‌گذاری

احتیاطی بر سرمایه‌توانایی کاهش ریسک را داشته باشد. تحقیق حاضر با استفاده از داده‌های بیست بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷ انجام شده است. بنابراین، هنگام تعمیم نتایج حاصل از این تحقیق به سایر بانک‌ها و صنایع بایستی این مسئله را مد نظر قرار داد. داده‌های استخراج‌شده از صورت‌های مالی بانک‌ها از بابت تورم تعدیل نشده‌اند. در صورت تعدیل این اطلاعات ممکن است نتایجی متفاوت از نتایج فعلی حاصل شود. تحقیق حاضر برای دوره زمانی هشت‌ساله از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷ انجام شده است. عوامل بی‌شماری نظیر بی‌ثباتی شرایط سیاسی و اقتصادی وجود دارند که ممکن است قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق را تحت‌تأثیر قرار دهند. به همین دلیل، باید در تعمیم دادن نتایج به‌دست‌آمده در این بازه زمانی به سایر زمان‌ها، احتیاط کرد.

با توجه به نتایج فرضیه‌ها پیشنهاد می‌شود که بانک‌ها سرمایه‌کافی نگهداری کنند، زیرا داشتن سرمایه‌کافی در مواقعی که بانک‌ها با ریسک‌های غیرمنتظره مواجه می‌شوند، مانند سپر ایمنی است، به این دلیل که اگر بانک‌ها سرمایه‌کافی داشته باشند، می‌توانند با زیان‌های غیرمنتظره مواجه شوند. همچنین، هرچه سرمایه‌بانک بیشتر باشد، اعتماد عمومی به بانک و سیستم بانکداری بیشتر می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود، بانک‌ها سرمایه‌نظارتی نگهداری کنند، زیرا هرچه سرمایه‌نظارتی بیشتر باشد، نگرانی نهاد نظارتی کمتر می‌شود، به این دلیل که سهام‌داران بانک بیشتر ریسک فعالیت‌های بانکی را متحمل می‌شوند و خود روی بانک نظارت بیشتری می‌کنند که سمت فعالیت‌های پرریسک نرود.

در نهایت، سرمایه‌بیشتر بانک می‌تواند منبع توسعه و خلق ارزش بانک باشد و ریسک‌پذیری را کاهش داده و کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود بخشد.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

ابراهیمی، نصراله؛ رنگریز، وحید (۱۳۹۴). تأثیر سرمایه بر سودآوری و ریسک در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پنجمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت*، تهران، شرکت خدمات برتر.

- احمدی، علی؛ احمدی جشقانی، حسین علی؛ ابوالحسنی هستیانی، اصغر (۱۳۹۵). تأثیر ریسک اعتباری بر عملکرد نظام بانکی ایران: مطالعه بین بانکی با رویکرد PANEL VAR. *فصل نامه اقتصاد مالی و توسعه*، ۱۰ (۳۴)، ۱۳۱-۱۵۲.
- بادآور نهندی، یونس؛ تقی زاده خانقاه، وحید (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه گذاری. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰ (۲)، ۱۹-۴۲.
- خدایی وله زاقرد، محمد؛ یحیایی، منیره (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری مدیریت*، ۳ (۲)، ۱-۱۵.
- دهقان دهنوی، محمدعلی؛ محرم اوغلی، اویس؛ بائی، محیا (۱۳۹۶). عوامل تعیین کننده ریسک پذیری بانکها در ایران با تأکید بر ساختار مالکیت. *تحقیقات مالی*، ۱۹ (۱)، ۶۱-۸۰.
- سامانی پور، حسن؛ محمدی، تیمور؛ شاکری، عباس؛ تقوی، مهدی (۱۳۹۹). الزامات نظارت احتیاطی کلان و تأثیر آن بر ثبات نظام بانکی ایران. *اقتصاد مالی*، ۱۴ (۵۲)، ۱-۲۶.
- عرفانیان، امیر (۱۳۸۷). ریسکهای عملیاتی در بانک (مطالعه موردی: بانک صنعت و معدن). *پژوهشها و سیاستهای اقتصادی*، ۱۵ (۴۱ و ۴۲)، ۹۷-۱۱۶.
- فشاری، مجید (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر رفتار ریسک پذیری بانکهای خصوصی و دولتی ایران (رهیافت دادههای تابلویی پویا). *پژوهشهای پولی و بانکی*، ۱۰ (۳۲)، ۱۹۹-۲۲۶.
- محقق نیا، محمدجواد؛ پاک نیت، یکتا (۱۳۹۶). اثر مقررات احتیاطی بر سرمایه و ریسک پذیری بانکها. *مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ۳ (۵)، ۵۳-۷۷.
- مدرس، احمد؛ حصارزاده، رضا (۱۳۸۷). کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری. *فصل نامه بورس اوراق بهادار*، ۱ (۲)، ۸۵-۱۱۶.
- محرابی، لیلا. (۱۳۹۳). قوانین و مقررات احتیاطی در نظام بانکداری اسلامی؛ با تأکید بر مدیریت ریسک و استانداردهای کمیته بال. *فصل نامه پژوهشهای پولی و بانکی*، ۲۲، ۶۶۳-۶۳۵.
- مصطفی پور، منوچهر (۱۳۹۴). نظارت احتیاطی بر بازارهای مالی. *مجله اقتصادی*، ۱۱ (۱۱)، ۱۱۹-۱۳۸.
- منصورفر، غلام رضا؛ غیور، فرزاد؛ راستی آذر، یوسف (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین ریسک پذیری و عملکرد بانکها (مطالعه موردی: شعب بانک ملی استان آذربایجان غربی). *فرایندهای مدیریت توسعه*، ۲۶ (۲)، ۱۴۶-۱۶۰.

موسویان، سید عباس؛ میثمی، حسین (۱۳۹۱). تحلیل و مقایسه تجربه قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی در سایر کشورها: دلالت‌هایی برای نظام بانکداری بدون ربا در کشور، *مجله مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۴(۲)، ۵۳-۹۱.

ب. انگلیسی

Aggarwal, R., Jacques, K.T., (2001): The impact of FDICIA and prompt corrective action on bank capital and risk: estimates using a simultaneous equations model, *Bank. Finance* 25, 1139-1160.

Baral, K. J. (2014). Health check up of commercial banks in the framework of CAMEL: a case study of joint venture banks in Nepal. *The Journal of Nepalese Business Studies*, 1(2), 231-241.

Bertrand, M., and Mullainathan, S, (2011). Enjoying the Quiet Life?, Corporate Governance and Managerial Preferences. *Journal of Political Economy*, 111, 1043-1075.

Biddle, G., Hilary, G. & Verdi, R. (2008). How Does Financial Reporting Quality Improve Investment Efficiency? *Working Paper*.

Boubakri, N., Cosset, J.C., Fischer, K., & Guedhami, O. (2015). Privatization and bank performance in developing countries. *Journal of Banking and Finance*, 29, 2015-2041.

Bougatef, K., Mgdmi, N. (2017). The impact of prudential regulation on bank capital and risk-taking the case of MENA countries. *Review of financial economic*, 14(2), 51-56.

Chun, S. E., Nagano, M., & Lee, M. H. (2015). Ownership Structure and Risktaking Behavior: Evidence from Banks in Korea and Japan. *Asian Economic Journal*, 25(2), 151-175.

Garcia Lara, J.M., Osma, B.G., Penalva, F. (2016). Conditional conservatism and firm investment efficiency. *Working Paper*. University of Carlos III de Madrid.

Guidara, A., Lai, V.S., Soumaré, I, Tchana, F.T. (2016). Banks capital buffer, risk and performance in the Canadian banking system: impact of business cycles and regulatory changes. *J. Bank. Finance* 37, 3373-3387.

Jokipii, T., Milne, A. (2013). The cyclical behavior of European bank capital buffers. *Bank & Finance*, 32 (8), 1440–1451.

Laeven, L., & Levine, R. (2015). Bank governance, regulation and risk taking. *Journal of Financial Economics*, 93(2), 259-275.

Looi Tan, G. (1991). *Banking Regulation and Supervision in Malaysia*, Institution of European Finance, University of Wales Bangor, England.

McConnell, J. and Servaes, H. (2012). Additional evidence on equity ownership and corporate value. *Journal of Financial Economics*, 27, 595–612.

Marie, A. A., & Azhagaiah, R. (2017). Constructing indices for efficient management of working capital in indian iron and steel sector. *Account and Financial Management Journal*, 2 (12), 1207-1213.

Cheng, M., Dhaliwal, D. & Zhang, Y. (2014). Does Investment Efficiency Improve after the Disclosure of Material Weaknesses in Internal Control over Financial Reporting? *Journal of Accounting and Economics* 56, 1–18.

Sariri, S. (2016). Ownership structure and risk-taking behaviour in conventional and Islamic banks: Evidence for MENA countries, *Borsa_Istanbul Review*, 13, 115-127.

Goodman, T. H., Shroff, N., Neamtiu, M., and White, H. D. (2014). Management Forecast Quality and Capital Investment Decisions. *The Accounting Review*, 89, 331-365.